

آثار تربیتی اعتقاد به معاد

* سید محمود سامانی

** علی نصیری

چکیده

معاد و توحید، دو رکن اصلی اعتقادی در ادیان الهی‌اند و اعتقاد به این دو، خط فاصل فرهنگ خداپرستان و مادی‌ها شمرده می‌شود. قرآن کریم پس از ایمان به خدا، از ایمان به آخرت سخن می‌گوید و انکار معاد را عین گمراهی می‌داند و منکران آن به عذاب دردناک تهدید می‌کند. اعتقاد به معاد تقریباً با تمامی موضوع‌ها و مسائل مطرح در حوزه‌های دینی، فرهنگی، انسانی، اقتصادی و اجتماعی ارتباط و در آنها تأثیر دارد. از مهم‌ترین ثمره‌های تربیتی اعتقاد به معاد، استوارسازی سلوک انسان در این جهان، معنابخشی به زندگی و رهابخشی از پوچ‌گرایی است. در سایه باور به معاد، عمل به تکالیف الهی آسان می‌شود، چنین اعتقادی، ضامن اجرای تمام قوانین الهی و انگیزه اصلی تهذیب نفوس می‌باشد. در این مقاله مهم‌ترین آثار تربیتی اعتقاد به معاد از نگاه قرآن و متون اسلامی ارائه می‌گردد.

واژگان کلیدی

معاد، آثار معادباوری، آثار فردی، آثار اجتماعی.

mahmud.samani@gmail.com

dr.alinasiri@gmail.com

تاریخ تأیید: ۸۹/۷/۸

*. دانشجوی دکتری مدرسی معارف اسلامی دانشگاه معارف.

** دانشیار گروه معارف اسلامی دانشگاه علم و صنعت ایران.

تاریخ دریافت: ۸۹/۵/۲

طرح مسئله

توحید عبادی و در پی آخرت بودن (عنکبوت / ۳۶) دو امر اعتقادی مهم در آموزه‌های ادیان آسمانی (بنگرید به: اعلی / ۱۹ - ۱۷) و از امور فطری‌اند (بنگرید به: مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ۱۸ / ۴۷۴؛ شریعتی، ۱۳۸۰: ۱۷ و ۱۸) که در سرشت و درون فطرت انسان‌ها وجود دارند. ایمان به روز جزا در جهان‌بینی مکتب اسلام نیز یکی از ارکان ضروری دین و از اصول قطعی اعتقادی و ضامن احکام انبیا و مهم‌ترین محرک دین‌داران در انجام وظایف دینی و الهی است. به دلیل اهمیت فوق‌العاده آن، بیش از هزار آیه از قرآن کریم،^۱ مربوط به آن است و تقریباً در همه سوره‌ها؛ هرچند به تلویح، نامی از زندگی اخروی برده شده و بخش بزرگی از قرآن، شرح و توضیح آموزه‌های معاد را به خود اختصاص داده است. بیش از هفتاد اسم و ویژگی معاد در قرآن ذکر شده که یوم الحساب، یوم الانذار، یوم الوعید، یوم التغابن، یوم الاخرة، یوم الازفة، یوم الحسرة و ... از آن جمله است. (بنگرید به: جمعی از نویسندگان، ۱۳۸۲: ۱ / ۹۷)

دعوت قرآن به اندیشه در مبدأ و معاد و تعبیر از رستاخیز به «الْئَبَاءِ الْعَظِيمِ» (نبأ / ۲)، متمم و مکمل خلقت دانستن معاد، عبث بودن دستگاه باعظمت خلقت در صورت نبود معاد (مؤمنون / ۱۱۵)، حشر جن و اعتقاد آنها به معاد، خلع سلاح منکران (جاثیه / ۲۴) و توجه دادن به خلقت انسان برای رفع تردید (مؤمنون / ۱۵ و ۱۶)، همه گویای اهمیت معاد است.

ارائه نمونه‌هایی عینی و تاریخی قرآن مانند زنده شدن مردگان (ق / ۱۱ - ۶)، همچون داستان ابراهیم علیه السلام و احیای مرغ‌های چهارگانه (بقره / ۲۶۰)، داستان عَزِیر (همان / ۲۵۹) و ماجرای اصحاب کهف (کهف / ۲۶ - ۹) را می‌توان از استدلال‌های قرآن بر معاد برشمرد. در قرآن کریم، انسان‌ها تشویق شده‌اند که از قوه عقل برای اندیشیدن در امر دنیا و آخرت استفاده کنند. (بقره / ۲۱۹ و ۲۲۰) نتیجه آنکه معاد در قرآن چنان روشن دانسته شده است که تنها متجاوزان و گناهکاران از پذیرش آن سر باز می‌زنند. (مطففین / ۱۲)

باید دانست که معاد، مقتضای عدل الهی و انکار آن موجب انکار ارسال رسل است (طیب،

۱. در برخی منابع هزار و سیصد آیه (قرشی، ۱۳۵۵: ۳) و در برخی حدود هزار و هشتصد آیه مربوط به قیامت و مقدمات آن دانسته شده است. (طاهری، ۱۳۷۶: ۱۱)

۱۳۷۸: ۹ / ۳۶۹) و ایمان و باور به جهان آخرت و تحصیل یقین به آن (بقره / ۴) انسان را در مسیر تکامل قرار می‌دهد و او درمی‌یابد که با مرگ، تنها حیات مادی به پایان می‌رسد؛ اما روح باقی می‌ماند و به سرای دیگر منتقل می‌شود و در اقامتگاه جدید با شرایط نوینی به حیات خود ادامه می‌دهد تا در محضر پروردگار حساب پس دهد. ایمان به آخرت؛ یعنی شکافتن دیوار عالم ماده و ورود در محیطی عالی‌تر و والاتر که این جهان، مزرعه‌ای برای آن، و آموزشگاهی برای آمادگی هرچه بیشتر در برابرش شمرده می‌شود.

باور به چنین رکن عقیدتی، منشأ آثار سازنده و مثبت بسیاری در بُعد فردی و اجتماعی در دنیا و نیز موجب نجات انسان در آخرت است، از این رو نظر به اهمیت موضوع، بحث آثار اعتقاد به معاد، نیازمند مطالعه، واکاوی و بازخوانی جدی است. تحقیق به نسبت جامع در این خصوص و شناساندن جایگاه اهمیت و آثار آن می‌تواند کمک مؤثری به بروز بیشتر رفتارهای هدفمند در جامعه و برطرف‌سازی بسیاری از مشکل‌ها و معضله‌های فردی و اجتماعی باشد.

با توجه به مطالب یاد شده، سؤال اصلی تحقیق این است: اعتقاد به معاد به عنوان یکی از ارکان و اصول دین، چه آثار تربیتی در بعد فردی و اجتماعی دارد؟

آثار اعتقاد به معاد

هر یک از مفاهیم اعتقادی و اخلاقی، کارکردهای خاص خود را در جامعه دارد و در صورت به‌کار بستن آن، آثار فردی و اجتماعی آن بروز خواهد کرد. ایمان و باور به معاد نیز به عنوان یکی از مفاهیم اعتقادی مهم و اثرگذار، منشأ آثار برای اشخاص معتقد و جوامع است و محور هرگونه اصلاح اخلاقی و اجتماعی شمرده می‌شود. با توجه به کثرت آثار اعتقاد به معاد، تنها به برخی از آنها اشاره می‌شود.

الف) آثار دنیوی

یک. آثار فردی

مقصود اثرهایی است که در زندگی خصوصی هر فردی بروز می‌کند. از مهم‌ترین این آثار می‌توان به موارد ذیل اشاره کرد:

۱. تغییر بیش: ایمان به جهان بینی مکتب انبیا، یقین به حیات بعد از مرگ و اطمینان به ثواب و عقاب عالم آخرت، بینش مردم را نسبت به انسان و جهان تغییر می‌دهد و برنامه زندگی را دگرگون می‌کند و انسان را به فکر فردا و مراقبت از اعمال خود می‌کشاند. آدمی بر اثر یقین به قیامت و ایمان به گفته پیامبران الهی، می‌فهمد که زندگی‌اش به همین چند روزه دنیا محدود نیست و حیات نوینی در پیش دارد. اعتقاد به معاد صحنه زندگی بشر را گسترش می‌دهد، اندیشه نابود شدن را می‌زداید و نیروی امید را در ضمیر انسان تشدید می‌کند و منشأ حرکت در مسیر تعالی معنوی و تکامل روحانی و تحرک در امور دنیوی و توجه به اعمالی می‌شود که ثمره اخروی دارند و انسان را متوجه این نکته می‌کند که باید از فرصت داده شده استفاده حداکثری بکند. (فلسفی، ۱۳۸۲: ۲۷)

اگر جهان بینی فرد درست نباشد و باورهای درونی‌اش جهت دینی نداشته باشند، این جهان بینی در رفتارها و اعمال او نیز انعکاس لازم را نخواهند داشت، پس بینش صحیح و جهان بینی مطلوب (جهان بینی توحیدی) درمان بسیاری از نابسامانی‌ها و بیماری‌های روحی بشر امروز است که علم و تکنولوژی از عهده آن بر نمی‌آید.

آیات قرآن کریم (بنگرید به: انعام / ۱۱۹ - ۱۱۳) بیانگر خطوط اصلی اعتقادی و نقش آن در انتخاب و چگونگی زندگی و برداشت آدمی از حیات خود است. در یک طرف، پیامبر و در طرف دیگر، شیطان‌ها و پیروان آنها قرار دارند. آنچه مرز گرایش به یکی از دو طرف دانسته شده، ایمان به آخرت یا انکار آن است. باید دانست که در قوانین الهی، زندگی انسان یک زندگی ابدی است و خوشبختی و بدبختی همیشگی او در گرو سعادت و شقاوت زندگی دنیایی اوست، از این رو یک خط مشی معقول و منطقی برای بشر باید ترسیم شود؛ نه یک استراتژی عاطفی. (شریعتی، ۱۳۸۰: ۱۶)

۲. تقوای الهی: تقوا و خویش‌داری، نقطه مقابل گناه و نافرمانی است و ثمره آن امید به رحمت الهی، اعتقاد به روز حساب و افشای پرونده انسان در دیدار با معبود است. ایمان به معاد، تقوای الهی، مراقبه و محاسبه را در پی دارد و چنین اعتقادی، انسان را در حالت بیدارباش نگه می‌دارد و او می‌پذیرد که کسی در همه حال مراقب اوست.

اعتقاد به محاسبه دقیق و عادلانه در جهان آخرت، سبب می‌شود که انسان خود را در انجام کارها آزاد مطلق نبیند و تقوا پیشه کند. (بقره / ۲۰۳) باور به معاد ضمن تولید تقوا و پرهیزکاری، آن را در جامعه نهادینه می‌کند. فرد و جامعه‌ای که به لباس تقوا آراسته شود، گرد ناپاکی و مخالفت با ارزش‌های الهی و انسانی را از خود می‌زداید، زیرا تقوا زینده‌ترین لباس برای تعالی‌بخشی به فرد و جامعه است. (اعراف / ۲۶) علاوه بر این، هم کرامت حقیقی انسان در گرو تقواست (حجرات / ۱۳) و هم راه خروج از بن‌بست‌ها تقوا می‌باشد (طلاق / ۲) و تشخیص حق از باطل (انفال / ۲۹) در گرو آن است. (درباره ثمرات تقوا بنگرید: طیب، ۱۳۷۸: ۱ / ۴۴۱)

باید دانست که نافرمانی و گناه نسبت معکوسی با ایمان به خدا و آخرت دارد و به هر نسبت که ایمان قوی‌تر باشد، گناه کمتر خواهد شد. در آیه «وَلَا تَتَّبِعِ الْهَوَىٰ فَيُضِلَّكَ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ إِنَّ الَّذِينَ يَضِلُّونَ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ لَهُمْ عَذَابٌ شَدِيدٌ بِمَا نَسُوا يَوْمَ الْحِسَابِ» (ص / ۲۶) خداوند داود علیه السلام را از پیروی هوای نفس که موجب گمراهی از مسیر از حق است، به دور می‌دارد و یادآور می‌شود که گمراهان از راه الهی، به دلیل فراموشی روز قیامت، دچار عذاب دردناک می‌شوند. نتیجه آنکه ایمان به معاد، قوی‌ترین عامل تقواست (قرائتی، ۱۳۸۳: ۱ / ۳۲۲)، لذا خداوند فرمود: «إِنِّي أَخَافُ أَنْ عَصَيْتُ رَبِّي عَذَابَ يَوْمٍ عَظِيمٍ». (یونس / ۱۵)

به‌راستی ایمان به دادگاه الهی در آخرت، در تربیت انسان و کنترل شهوت او بسیار مؤثر است و بر آگاهی، بیداری و توجه به مسئولیت‌ها می‌افزاید. (نجفی خمینی، ۱۳۹۸: ۱۰ / ۳۲۷)

۳. انگیزه عمل صالح و اخلاص:

فَمَنْ كَانَ يَرْجُوا لِقَاءَ رَبِّهِ فَلْيَعْمَلْ عَمَلًا صَالِحًا... (كهف / ۱۱۰)

هرکس امید لقای پروردگار را دارد، باید کار صالح انجام دهد.

در این آیه رابطه نزدیک بین ایمان به آخرت و عمل صالح و اخلاص در عبودیت انعکاس یافته و آن‌دو از بازتاب‌های ایمان به معاد معرفی شده‌اند. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۷: ۵ / ۳۸۸) به نظر علامه طباطبایی در این آیه به جای یقین به معاد، امید و رجاء به آن ذکر شده است،

چون حتی امید به معاد نیز می‌تواند منبع آثاری مانند عمل صالح و اخلاص در عمل باشد. (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۱۳ / ۴۰۶) در ضمن تعبیر به «یرجوا» (فعل مضارع) اشاره به آن دارد که امید و عمل صالح به صورت مستمر و دوشادوش هم به پیش می‌روند. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۷: ۵ / ۳۸۹)

جالب است که در این آیه از روز قیامت به عنوان روز لقاء الله یاد شده است و می‌دانیم این دیدار معنوی و شهود باطنی، اوج تکامل انسان‌هاست و یادآوری آن می‌تواند انگیزه‌ای برای اخلاص کامل و عمل صالح باشد. (همان: ۳۸۸ و ۳۸۹)

از دیگر آیاتی که ایمان به آخرت را موجب انجام اعمال خالص و دوری از ریا و خودنمایی می‌داند، آیه «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَبْطُلُوا صَدَقَاتِكُمْ بِالْمَنِّ وَالْأَذَى كَالَّذِي يُنْفِقُ مَالَهُ رِئَاءَ النَّاسِ وَلَا يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ» (بقره / ۲۶۴) است. این آیه اخلاص را پشتوانه اصلی رفتارهای نیک می‌داند؛ به گونه‌ای که بدون آن، هر رفتار نیکی خالی از فایده و ناشی از نبود ایمان واقعی به خدا و جهان آخرت است؛ بنابراین اخلاص در نقطه مقابل ریا قرار دارد و ایمان به آن روز بزرگ، انگیزه نیرومندی برای توجه به نیکی‌ها و خلوص است.

در آیه «إِنَّمَا نُطْعِمُكُمْ لُوجِهَ اللَّهِ لَأُتْرِدَ مِنْكُمْ جَزَاءً وَكَأ شُكْرًا» (انسان / ۹) تأکید می‌شود که ایثار و بخشش بی‌ظنیر، از ایمان به معاد سرچشمه می‌گیرد و ترس از روز جزا موجب انفاق و ایثار در راه خدا، آن هم با اخلاص کامل و بدون توقع پاداش و اظهار تشکر با زبان، می‌شود. برخی مفسران نزول این آیه را درباره جندب بن زهیر دانسته‌اند که غیر خدا را در اعمالش شریک می‌کرد و عمل ریایی انجام می‌داد، از این رو خداوند او را ملامت و کارش را تقبیح کرد. (سیوطی، ۱۴۰۴: ۴ / ۳۵۵)

تکیه خداوند از میان نام‌های قیامت بر «بِیَوْمِ الدِّینِ» (مدثر / ۴۶)، به این حقیقت اشاره دارد که عامل اصلی حرکت به سوی ایمان و عمل صالح، توجه به «روز جزا بودن روز قیامت» است. باور به معاد موجب می‌شود انسان به وسیله بندگی، برای رسیدن به سعادت اخروی خود تلاش کند. «وَمَا لِي لَأَعْبُدُ الَّذِي فَطَرَنِي وَإِلَيْهِ تُرْجَعُونَ». (یس / ۲۲)

۴. آرامش و تأمین بهداشت روانی: اندیشه فنا برای کسانی که مرگ را پایان زندگی می‌دانند

و به جهان دیگری برای ادامه حیات اعتقاد ندارند، چنان جانکاه و دارای فشار روانی است که مجبورند عمر خویش را با تلخی سپری سازند؛ اما ایمان به خداوند و روز جزا موجب کاهش بحران‌های روحی می‌شود که بر اثر حرص، آز، جاه‌طلبی، لذت‌گرایی، مادیت‌گرایی و دیگر خصلت‌های ناپسند به وجود می‌آید. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ۱۸ / ۲۳؛ شریعتی، ۱۳۸۰: ۲۸ و ۲۹) امام علی علیه السلام فرمود:

کسی که زیاد به یاد مرگ باشد، از حرص و فزون‌طلبی رهایی می‌یابد و به مقدار کمی از آنچه در زندگی دنیا نیاز دارد، راضی می‌شود. (شریف رضی، بی‌تا: ح ۳۴۹)

امروزه مردم در کشورهای پیشرفته به زندگی بدبین شده‌اند و حیات دنیا در نظرشان بی‌معنا جلوه‌گر شده است، از این رو به انواع بیماری‌های روحی دچار شده‌اند؛ در حدی که روان‌شناسان قادر به امید دادن به زندگی نیستند و با هیچ اهرمی نمی‌توانند جلوی خودکشی برخی از آنان را بگیرند. جالب اینکه در این جوامع، افراد دارای تحصیلات عالی، بیشتر احساس پوچی دارند؛ تا افراد عادی. (فلسفی، ۱۳۸۲: ۱ / ۴۴، به نقل از: مکارم شیرازی، ۱۳۷۷: ۵ / ۴۱۳)

بشر امروز در عین حال که به پیشرفت‌های حیرت‌آوری در زمینه‌های گوناگون دست یافته، اما به آرامش روانی - که از عناصر پایه‌ای سلامتی از دید سازمان جهانی بهداشت است - نرسیده است.

از مهم‌ترین علل این بحران، دوری از خدا و انکار عالم غیب و آخرت است و این رویکرد نگرانی‌های بسیاری را به وجود آورده است، مانند: نگرانی از آینده، پایان زندگی، فرصت‌های از دست رفته، حوادث گوناگون پیش‌بینی نشده، نداشتن پایگاه در مشکلات طاقت‌فرسا، تصویر وحشتناک از مرگ، بدبینی به آینده جهان و ترس از آن. بدون شک ایمان به سرای دیگر، همراه با آرامش و عدالت، می‌تواند به این نگرانی‌ها پایان دهد و انسان را از اسارت لذات دنیوی و گرفتاری در پنجه دردهای روحی نامناسب رها سازد؛ چنان که اعتقاد به جهان آخرت در قرآن به منزله امیدواری به لنگرگاهی مطمئن و پهلو گرفتن کشتی در ساحل نجات (یونس / ۶۲)، و قیامت، «دَارُ الْقَرَارِ» (غافر / ۳۹ و ۴۰) معرفی شده است.

اعتقاد به معاد مشکل مصائب و شدائد را به گونه‌ای روشن حل می‌کند، زیرا گذشته از اینکه حوادث جهان، نتیجه تقدیر خدای حکیم است، هر نوع بردباری در برابر مصائب، پاداش بزرگی دارد و همین مصیبت‌ها را کوچک و سبک جلوه می‌دهد.

خلاصه آنکه خداجویی و آخرت‌طلبی، قابلیت لازم برای بهره بردن از موهبت آرامش روحی را فراهم می‌آورد. (آل عمران / ۱۵۴) بر این اساس خداوند کسانی را که به آخرت ایمان ندارند، در عذاب و گمراهی دور می‌داند (سبأ / ۸)؛ زیرا زندگی، مشکلات و حوادثی دارد که انسان بدون ایمان به آخرت، نمی‌تواند آنها را تحمل کند. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ۱۸ / ۲۳)

۵. سرگردان نشدن و هدفمندی حرکت: نداشتن ایمان به آخرت موجب زینت‌بخشی اعمال زشت و سردرگمی می‌شود (بنگرید به: طاهری، ۱۳۷۶: ۱۰۷ و ۱۰۸) در حالی که ایمان به معاد انسان را وادار می‌دارد واقعیت اعمال خود را آن گونه که هست، بررسی کند. بی‌اعتقادی به جهان آخرت، منشأ انحراف‌ها و موجب سرگردانی می‌شود. «إِنَّ الَّذِينَ لَا بَأْتَا خِرَةَ زَيِّنَا لَهُمْ أَعْمَالُهُمْ فَهُمْ يُعْمَهُونَ» (نمل / ۴) «عَمَهُ» به معنای تحیر و سرگردانی است و عبارت «فَهُمْ يُعْمَهُونَ» متفرع بر مطلب قبل است؛ یعنی این دسته از مردم، در پی بی‌اعتقادی به جهان آخرت و غرور به اعمال خود، بی‌هدف و سرگردان‌اند؛ زیرا عظمت آفرینش و خالق آن و علم اندک خود را نادیده می‌گیرند و از هدایت آفریدگار محروم می‌شوند. (بنگرید به: افشار، ۱۳۸۷: ۱ / ۱۴۵؛ نجفی خمینی، ۱۳۹۸: ۱۵ / ۲۸)

فردی که به معاد عقیده دارد، زندگی را با هدف می‌بیند و از پوچی و سرگردانی نجات می‌یابد، او می‌داند که جاودانگی‌اش بعد از مرگ ظاهری، در سرای دیگر محقق خواهد شد و مرگ، تنها پلی است که او را از این دنیای فانی به جهان باقی منتقل می‌کند. (شریعتی، ۱۳۶۳: ۱۶ و ۱۷)

۶. ظهور صفات کمال و فضائل اخلاقی: صفات برجسته اخلاق در کنار یاد معاد، به کمال می‌رسند؛ زیرا یاد معاد و عذاب قیامت، انسان را دل‌شکسته و قلب را خاضع می‌کند. اکثر کمال‌ها و ایثارها همراه با یک نوع محرومیت‌ها و تحمل کردن ناگواری‌ها هستند. اهرمی که بتوان این وزنه‌ها را با آن حرکت داد و آن‌همه ناگواری را تحمل کرد، همان ایمان به جبران

در قیامت و ایمان به پادشاه‌های الهی است. راستی چرا زن فرعون به هیچ قیمتی جذب کاخ و مال و طلاهای فرعون نشد؛ زیرا او به جای دیگر چشم دوخته بود و می‌گفت: «... رَبِّ اِنَّ لِي عِنْدَكَ بَيْتًا فِي الْجَنَّةِ وَنَجِّي مِنْ فِرْعَوْنَ». (تحریم / ۱۱)

آری هوای بهشت در سر داشتن، این‌گونه کاخ فرعون را برای انسان زندان می‌کند. زنجیره فضائل اخلاقی موجود در انسان، با شرایطی پرورش می‌یابد و بارور می‌شوند. ارشاد علمای اخلاق، هر چند در پرورش فضائل اخلاقی مؤثر است، ولی راهنمایی آنان، از دایره سخن و مذاکره دوستانه، فراتر نمی‌رود؛ اما مذهب و اعتقاد به پادشاه‌ها و کفرها، فضیلت‌های اخلاقی (مانند: انسان دوستی، ضعیف‌نوازی، مهربانی به یتیمان، دستگیری از درماندگان و ...) را در انسان زنده می‌کند و از این جهت دانشمندان، مذهب را پشتوانه اخلاق می‌دانند. (بنگرید به: سبحانی، ۱۳۷۳: ۱۸ و ۱۹)

انسان‌هایی که معتقدند سرانجام به سوی پروردگارشان باز می‌گردند، نهایت کوشش خود را در انجام طاعات به خرج می‌دهند و با احساس مسئولیت و کنترل کامل اعمال (مؤمنون / ۶۰) آینده روشن خود را رقم می‌زنند. در مقابل، انکار معاد، عامل اصلی آلوده شدن به اعمال دوزخی است و انسان را به موجودی بی‌بند و بار و بی‌تعهد و مسئولیت و به دور از تقوا مبدل می‌سازد. اثر ایمان به معاد در حُسن اعمال به قدری روشن و آشکار است که امیرمؤمنان علیه السلام از کسی که ایمان به آخرت دارد؛ ولی در حُسن اعمال خویش نمی‌کوشد، تعجب می‌کند و می‌فرماید: «عجبت لمن يعلم أن للاعمال جزاء كيف لا يحسن عمله». (آمدی، بی‌تا: ۲ / ۴۹۵)

ثمره اعتقاد به معاد، ترک اخلاق مذموم (مانند شح، بخل، حسد و کبر) و رویش صفات کمال (مانند سخاوت، جود، ایثار و انفاق) است.

آیه «لَنْ تَنَالُوا الْبِرَّ حَتَّى تُنْفِقُوا مِمَّا تُحِبُّونَ؛ (آل عمران / ۹۲) هرگز به [حقیقت] نیکوکاری نمی‌رسید؛ مگر از آنچه دوست دارید، انفاق کنید»، که از جامع‌ترین آیه‌های مربوط به عمل است، با به کارگیری واژه «بر»، آن را شامل فضیلت‌های خاص دینی (مانند ایمان به خدا و روز رستاخیز) و فضیلت‌های عام اخلاقی (مانند ایثار) می‌کند.

می‌گویند در پی نزول این آیه، ابوطلحه انصاری، نزد پیامبر آمد و زمین خود را در اریحا (بیرحاء) انفاق کرد. وی نخلستان روبه‌روی مسجد مدینه را نیز به پیامبر واگذاشت و یا به پیشنهاد حضرت آن را برای خویشان ابوطلحه و طبق قولی به حسان بن ثابت شاعر پیامبر ﷺ و ابی بن کعب (از قاریان برجسته) از خویشان خود انفاق کرد. (طبری، ۱۴۱۲: ۳ / ۲۴۶ و ۲۴۷)

قابل ذکر است که انصار نیز روی اعتقاد به آخرت آن همه ایثارگری کردند. تأکید فراوان آموزه‌های دینی بر یاری دیگران و کمک مالی و معنوی به آنها در قالب انفاق، صدقه، هدیه، ایثار، گذشت، عفو، بخشش و ... در این جهت فهم‌پذیر است. در قرآن آمده است که هیچ خیری نیست در انسانی که اثرش به دیگران برنگردد و ضرب المثلی هم می‌گوید: «دستی که گل هدیه می‌کند؛ خود بوی گل می‌گیرد».

با اعتقاد به معاد برخی مفاهیم بلند اخلاقی معنا پیدا می‌کنند، مثل سخاوت که انسان از آنچه خود بدان نیاز دارد جوان‌مردانه می‌گذرد و به دیگری که بدان نیازمند است، می‌دهد. این رفتار اگر در اثر مداومت، ملکه گردد، شایسته نام ایثار است.

سخاوت در فرهنگ عالمان اخلاق، در مقابل بخل قرار دارد و نتیجه زهد و بی‌اعتنایی به زرق و برق مادی و زخارف دنیوی است. از نگاه ایشان بخل عبارت است از امساک از خرج مال و خودداری از بخشش آن در موردی که باید خرج و بخشش شود. این طرف تفریط است و طرف افراط، اسراف و خرج مال در جایی است که نباید خرج کرد و حدّ وسط، عبارت است از جود و سخاوت (نراقی، ۱۳۷۸: ۳۰۹) که از سوی پیشوایان دین مورد تأکید فراوان قرار گرفته است. پیامبر ﷺ فرمود:

سخاوت درختی از درختان بهشت است که شاخه‌های آن بر زمین فرو آویخته است، هر کس شاخه‌ای از آن بگیرد، آن شاخه او را به بهشت می‌کشاند.

(غزالی، ۱۴۰۲: ۵۱۱)

الجنة دار الاسخياء. (همان)

بهشت خانه سخاوتمندان است.

امام صادق علیه السلام جوان سخاوتمند گناهکار پیش خدا را از پیر عابد بخیل، محبوب تر می داند و می فرماید:

شاب سخي مرهق في الذنوب احب الى الله من شيخ عابد بخيل. (کلینی، ۱۳۶۵: ۴ / ۴۱)

امیرمؤمنان علیه السلام فرمود:

من ايقن بالخلف جاد بالعطيه. (شريف رضى، بی تا: ح ۱۳۸؛ مجلسی، ۱۴۰۴: ۷۴ / ۳۸۵)

کسی که یقین به جانشین (و پاداش قیامت) داشته باشد، در بخشش سخاوتمند خواهد بود.

این حدیث به خوبی نشان می دهد که ایمان به معاد انسان را سخاوتمند می سازد و بخشی از معضل جامعه را بر طرف می کند.

۲. رسیدگی به محرومان: ایمان به معاد، انسان را در برابر محرومان جامعه مسئول و متعهد بار می آورد. قرآن کریم یکی از عوامل سقوط انسان ها در دوزخ را بی تفاوتی به محرومان می داند و به اقرار برخی دوزخیان در این باره چنین اشاره می کند:

وَلَمْ نَكُ نُطْعِمُ الْمِسْكِينَ. (مدثر / ۴۴)
و بینوا را اطعام نمی کردیم.

قرآن مجید با روش خاصی انکار مبدأ و معاد را مایه کشته شدن عواطف انسانی می داند، تا آنجا که دل سخت می گردد و مهربانی و ترحم به یتیم و مستمند و بی نوا از بین می رود:

أَرَأَيْتَ الَّذِي يُكذِّبُ بِالْإِيمَانِ * فَذَلِكَ الَّذِي يَدْعُ الْيَتِيمَ * وَلَا يَحْضُ عَلَى طَعَامِ الْمِسْكِينَ. (ماعتون / ۳ - ۱)

آیا دیدی کسی را که روز جزا را انکار می کند، او همان کسی است که (با کمال بی رحمی)، یتیم را طرد می نماید، و افراد را به اطعام مستمندان دعوت و ترغیب نمی نماید.

«فذلک» در این آیه با توجه به اینکه «فا» در اینجا معنی سببیت دارد، به این نکته اشاره می‌کند که نبود ایمان به معاد، سبب این خلاف‌کاری‌ها می‌شود (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ۲۷ / ۳۵۹) و راستی که چنین است و کسانی که به آخرت و نتایج و پاداش «انفاق» ایمان ندارند، در بذل اموال بخیل می‌شوند: «وَيَقِضُونَ أَيَّدِيَهُمْ». (توبه / ۶۷)

کارهایی همچون انفاق و ایثار، افزون بر تقویت حسّ نوع دوستی در انسان، حالت‌های انفعالی مانند نفرت و کینه‌توزی و انگیزه‌های ستم و تجاوز و تمایل به خودخواهی را ریشه کن می‌سازند، لذا خداوند می‌فرماید:

إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَالْإِحْسَانِ وَإِيتَاءِ ذِي الْقُرْبَىٰ وَيَنْهَىٰ عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ وَالْبَغْيِ
يَعْظُمُكُمْ لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ. (نحل / ۹۰)

نتیجه آنکه تأکید فراوان آموزه‌های دینی بر یاری دیگران و کمک مالی و معنوی به آنها در قالب انفاق، صدقه، هدیه، ایثار، گذشت، عفو، بخشش و ... در این جهت فهم‌پذیر است. طبق آموزه‌های دینی یاد معاد عاملی برای تشویق به انفاق است، لذا خداوند می‌فرماید:

أَنْفِقُوا مِمَّا رَزَقْنَاكُمْ مِنْ قَبْلِ أَنْ يَأْتِيَ يَوْمٌ لَا بَيْعَ فِيهِ وَلَا خُلَّةٌ. (قرائتی، ۱۳۸۳: ۴۰۳ / ۱)

۸. **تعدیل و رهبری غرائز:** تعدیل غرائز، مهم‌ترین مسئله زندگی انسان‌ها، به‌ویژه نسل جوان است. تجلی تمایل‌های جنسی در دختر و پسر در فصل بلوغ، به اوج خود می‌رسد؛ تا جایی که جوان حدّ و مرزی برای خود نمی‌شناسد. اعتقاد به معاد و کیفی‌های الهی می‌تواند این غریزه را مهار کند و دارنده آن را به صورت انسان وظیفه‌شناس تحویل اجتماع دهد. (سبحانی، ۱۳۷۳: ۱۷)

در سایه ایمان به معاد، انسانی پرورش می‌یابد که در اطاق خلوت، در برابر زن جوان و بسیار زیبا که به او فرمان: «هَيْتَ لَكَ؟» (یوسف / ۲۳) آماده باش می‌دهد، سرسختانه مقاومت می‌کند و زن را، پند و اندرز می‌دهد و از دعوت به حرام او، به خدا پناه می‌برد! پندپذیری و عبرت‌گرفتن زمانی تحقق می‌یابد که اعتقاد به معاد وجود داشته باشد و انسان وقتی به حالت تسلیم شدن به اعتقاد رسید، انذار در او مؤثر خواهد افتاد، لذا خدا فرمود: «وَ خَشِيَ الرَّحْمَنَ

بِالْغَيْبِ...» (یس / ۱۱) در این آیه، غیب عبارت دیگر اعتقاد به معاد «اتَّبِعَ الذِّكْرَ»، همان تسلیم شدن به اعتقاد است. (قرشی، ۱۳۷۷: ۹ / ۶۳)

۹. دوری از ستم و بی‌عدالتی: ایمان به معاد در تأمین عدالت اجتماعی که دغدغه انبیا و مصلحان واقعی بود، کارایی فوق‌العاده‌ای دارد. تراحم و برخورد منافع از لوازم اجتماع انسانی است که در آن ناتوان و نیرومند با هم زندگی می‌کنند و قوی‌ترها پیوسته می‌خواهند همه چیز را به خود اختصاص دهند، لذا وضع قانون ضرورت می‌یابد.

ایمان به معاد و حساب موجب امتناع انسان از ظلم به دیگران می‌شود. باید دانست که بی‌ایمانی به جهان آخرت، ریشه سرکشی و بی‌عدالتی انسان‌هاست: «وَأَسْتَكْبِرُ هُوَ... وَظَنُّوا أَنَّهُمْ إِلَيْنَا لَا يُرْجَعُونَ». (قصص / ۳۹)

بی‌عدالتی یکی از دردهای فراگیر بشر است و استکبار جهانی بیشترین حق‌کشی را در حق ملت‌های ستمدیده دارد. طغیان‌ها، انکارها و تباهی‌ها از نظر قرآن در اثر بی‌اعتقادی به معاد است. (قرشی، ۱۳۷۷: ۹ / ۵) مسلماً اگر آنان قیامت را باور داشتند، در رفتار غیرانسانی خویش تجدیدنظر می‌کردند. امام علی علیه السلام فرمود:

سوگند به خدا اگر تمام شب را بر روی خارهای (جانگداز) سعدان به‌سر بایرم و با غل و زنجیر به این سو و آن سو کشیده شوم، خوش‌تر دارم تا خدا و پیامبرش را در روز قیامت در حالی ملاقات کنم که به بعضی از بندگان ستم و چیزی از اموال عمومی را غصب کرده باشم. (شریف رضی، بی‌تا: خ ۲۲۴)

۱۰. فرونشاندن خشم: حس غضب و خشم از نظر قدرت، کمتر از غریزه جنسی نیست و گاهی حس انتقام را در انسان به اوج خود می‌رساند؛ به گونه‌ای که حاضر می‌شود در راستای میل نفسانی خود، هر نوع مانعی را از سر راه خود بردارد. در این موقع چیزی جز ترس از انتقام الهی و خوف از دوزخ، نمی‌تواند آتش خشم انسان‌ها را خاموش سازد، دیگر غرائز اصیل انسانی نیز همین وضع را دارد؛ زیرا قیامت محل بروز حوادث هولناک است: «آمَنُوا مُشْفِقُونَ». (شوری / ۱۸)

قابل ذکر است که ایمان و خوف در کنار هم مفیدند، چنانکه ابلیس، بلعم و باعورا و فرعون علم داشتند؛ اما ایمان و خوف نداشتند. (قرائتی، ۱۳۸۳: ۱۰ / ۳۸۹)

همان‌گونه که اشاره شد، ایمان به رستاخیز اثر عمیقی در تربیت انسان، در تمام شئون فکری و اخلاقی دارد. (داورپناه، ۱۳۷۵: ۱۶ / ۱۴۵؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ۱ / ۷۷) در ادامه برخی دیگر از این اثرها را، فهرست‌وار مرور می‌کنیم:

۱۱. پیشگیری از غرور علمی و انحراف اندیشه

رَبَّنَا لَا تُزِغْ قُلُوبَنَا بَعْدَ إِذْ هَدَيْتَنَا ... لِيَوْمَ لَا رَيْبَ فِيهِ إِنَّ اللَّهَ لَا يُخْلِفُ الْمِعَادَ.
(آل عمران / ۸ و ۹)

۱۲. وارستگی از خیانت

وَمَا كَانَ لِنَبِيٍّ أَنْ يَغُلَّ وَمَنْ يَغُلْ يَأْتِ بِمَا غَلَّ يَوْمَ الْقِيَامَةِ ... (آل عمران / ۱۶۱)

۱۳. رعایت حقوق خانواده

... وَلَهُنَّ مِثْلُ الَّذِي عَلَيْهِنَّ بِالْمَعْرُوفِ ... (بقره / ۲۲۸ و ۲۳۲)

۱۴. گرایش به نیکی‌ها

... فَمَنْ كَانَ يَرْجُوا لِقَاءَ رَبِّهِ فَلْيَعْمَلْ عَمَلًا صَالِحًا وَلَا يُشْرِكْ بِعِبَادَةِ رَبِّهِ أَحَدًا.
(کهف / ۱۱۰)

۱۵. سرعت در کارهای خیر

فَاسْتَبِقُوا الْخَيْرَاتِ أَيْنَ مَا تَكُونُوا يَأْتِ بِكُمْ اللَّهُ جَمِيعًا ... (بقره / ۱۴۸)

۱۶. افق روشن برای آینده

قَالُوا لَا ضَيْرَ إِنَّا إِلَىٰ رَبِّنَا مُنْقَلِبُونَ. (شعرا / ۵۰)

۱۷. زمینه پذیرش احکام و مواظب الهی

ذَلِكَ يُوعَظُ بِهِ مَنْ كَانَ مِنْكُمْ يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ. (بقره / ۲۳۲)

علامه طباطبایی می‌نویسد:

اعتقاد به معاد مستلزم تدین به دین و آن هم مستلزم پیروی از احکام در زندگی است. (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۳ / ۱۸۰)

۱۸. تعمیر مساجد

إِنَّمَا يَعْمُرُ مَسَاجِدَ اللَّهِ مِنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ ... (توبه / ۱۸)

۱۹. ضامن انجام تکالیف الهی

... وَلَا يَحِلُّ لَهُنَّ أَنْ يَكْتُمْنَ ... إِنْ كُنَّ يُؤْمِنُنَّ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ ... (بقره / ۲۲۸)

۲۰. عبادت و بندگی

وَجَاءَ مِنْ أَقْصَى الْمَدِينَةِ ... (یس / ۲۲ - ۲۰)

۲۱. پایبندی به دستورهای الهی

لَا يَسْتَأْذِنُكَ الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ أَنْ يُجَاهِدُوا بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ. (توبه / ۴۴)

۲۲. مراقبت بر نماز

وَالَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ... وَهُمْ عَلَى صَلَاتِهِمْ يُحَافِظُونَ. (انعام / ۹۲)

شخص نمازگزار با چند بار گفتن «مالک يوم الدين» در هر شبانه روز توجه اش به قیامت زنده می شود و اعتقادش به معاد آشکار می شود. (بنگرید به: داورپناه، ۱۳۷۵: ۱ / ۱۰۶؛ افشار،

۱۳۸۷: ۱ / ۱۵۶)

۲۳. شهادت به حق

... وَأَقِيمُوا الشَّهَادَةَ لِلَّهِ ذَلِكَمُ يُوعِظُ بِهِ مَنْ كَانَ يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ ... (طلاق / ۲)

۲۴. شرح صدر و شکیبایی

الَّذِينَ إِذَا أَصَابَتْهُمُ مُصِيبَةٌ قَالُوا إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ. (بقره / ۱۵۶)

دو. آثار اجتماعی

مقصود آثاری است که لازمه ظهورش گردآمدن افراد دور یک محور می باشد و تا افراد نباشند، آن آثار بروز نخواهد کرد. اعتقاد به معاد در بعد اجتماعی نیز آثار قابل توجهی دارد که

به چند مورد اشاره می‌شود:

۱. جهاد و استقامت در راه دین: شهامت و شجاعت از مهم‌ترین آثار تربیتی اعتقاد به معاد است؛ زیرا بر اساس آن، اوج افتخار در زندگی، شهادت در راه هدف مقدس الهی است که محبوب‌ترین چیز برای فرد با ایمان و آغازی برای زندگی ابدی و جاودانی است. انسان معتقد به آخرت، می‌داند که جهاد در راه خدا و رفتار ایثارگرانه آثاری ارجمند دارد که رستگاری انسان (حشر / ۹)، جلب رأفت الهی (بقره / ۲۰۷) و رسیدن به مقام برّ (آل‌عمرن / ۹۲) از آن جمله‌اند؛ از این رو، آیات معاد در کنار آیات جهاد، مهم‌ترین عاملی است که جبهه‌های نبرد با دشمن را گرم می‌کند. هنگامی که جرقه‌های ایمان به معاد به اعماق جان می‌رسد، آن را چنان شعله‌ور می‌سازد که دیگر هیچ تهدیدی در برابر آن کارگر نمی‌افتد و هر چیزی جز خدا و لقای آخرت و نعمت‌های جاودانش، در نظر انسان ناچیز جلوه می‌کند.

باید اذعان کرد که ایثار در راه خدا، نمود دیگرخواهی آدمیان است و روح نوع‌دوستی آنها را به نمایش می‌گذارد و گاه تا جایی پیش می‌رود که انسان جان خویش را در راه دیگران از دست می‌دهند تا کمال و تمام ایثار و از خود گذشتگی به نمادهای فراموش ناشدنی تبدیل گردد. چنان که در جریان عاشورا هر قدر دایره محاصره تنگ‌تر می‌شد، چهره‌های اصحاب امام حسین علیه السلام، آرام‌تر و به مرگ بی‌اعتنا می‌شدند. رمز حماسه عاشورا و شجاعت بی‌نظیر امام حسین و یارانش را باید در همین راستا، و در ایمان قوی و مستحکم آنان نسبت به معاد و زندگی جاویدان آخرت جست.

در صحنه نبرد آنهایی که به قیامت یقین دارند، ثابت قدم می‌مانند؛ چنان که آیه «... قال الذین یظنون انهم ملاقوا الله...» (بقره / ۲۵۰) بدان اشاره دارد که تنها یک دسته از مردم (برخی از نیروهای تحت امر طالوت) که به معاد ایمان داشتند دشمن را از پای درآوردند. خداوند در این آیه، رمز پیروزی و پایداری در جبهه را ایمان به ملاقات خدا در روز قیامت می‌داند. آری! روحیه رزمی، وابستگی کامل به نوع دیدها و جهان‌بینی‌ها دارد. رزمنده‌ای که آینده خود را زندگی ابدی، بهشت و همسایگی رسول خدا می‌داند، با رزمنده‌ای که قتل خود را نابودی و پوچی می‌داند، مقایسه‌پذیر نیست. (قرائتی، ۱۳۶۳: ۶۳؛ طاهری، ۱۳۷۶: ۱۰۶ و ۱۰۷)

خداوند در سوره توبه نسبت به کسانی که در رفتن به جبهه سستی نشان می‌دهند، می‌فرماید:
«ارضیتُم بالحیوة الدنیا من الآخرة». (توبه / ۳۸)

توجه انسان به بازگشت به خدا و اعتقاد به آن، عامل مقاومت در برابر ولایت کافران است. (آل عمران / ۱۹) پایداری در نبرد، وحدت و پیروی از آموزه‌های پیامبر ﷺ، نشانگر آخرت‌خواهی مؤمنان مجاهد «حَتَّىٰ إِذَا فَشِلْتُمْ ... مِنْكُمْ مَنْ يُرِيدُ الْآخِرَةَ» (آل عمران / ۱۵۲) است و آخرت‌اندیشی و وارستگی، از اوصاف مجاهدان راه خداست: «فَلْيَقَاتِلْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ الَّذِينَ يَشْرُونَ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا بِالْآخِرَةِ...». (نساء / ۷۴)

جمهوری اسلامی ایران در حال حاضر با طیف گسترده تهدیدهای داخلی و خارجی روبه‌روست؛ همان‌گونه که از ابتدای پیروزی با این تهدیدها دست به گریبان بوده است؛ اما راهبرد دفاع مردمی در اندیشه رهبران انقلاب در بسیج توده‌های مردمی، به خنثی شدن تهدیدها و چه بسا تبدیل آنها به فرصت انجامیده است؛ چنان‌که در حماسه هشت سال دفاع مقدس، مردم ایران در برابر تجاوز بیگانگان، مقوله‌های معنویت‌گرایی، ایثار، فداکاری، شهادت‌طلبی و ... نشان داد که آمیختگی فرهنگ دینی و روحیه مقاومت و همت مردمی در برابر متجاوزان، شکلی از جنگ را پدید آورد که شاید کمتر شباهتی به دیگر جنگ‌های جهان داشت.

فرهنگ شیعی و علوی متأثر از وقایع تاریخی به‌ویژه عاشورا، جوهره خاص تجلی فرهنگ ایثار و شهادت به جنگ بخشید و نشان داد که مردم در ایجاد، بقاء و استمرار حکومت اسلامی و نیز اهداف و کارکردها و مسئولیت‌ها نقش اساسی دارند. استراتژی بازدارندگی مردمی در زمره مهم‌ترین راهبردهای دفاعی کشور در معرض تهاجم، می‌باشد. دوام اسلام و پایدار ماندن درخت تنومند آن و باروری‌اش، مرهون جهاد، فداکاری و ایثار شهیدان است که این در سایه ایمان به معاد تحقق‌یافتنی است.

۲. ضامن اجرای قوانین و حفظ حقوق هم‌نوعان: جامعه نیاز به قانون دارد؛ ولی اجرای آن مهم‌تر است. امروزه حکومت‌های پلیسی و نظامی تنها خلافاکاری‌های عیان را می‌توانند کنترل کنند؛ اما در اجتماع‌هایی که زیر بنای نظام‌های آنها را ایمان و ترس از خدا تشکیل می‌دهد، مشکل اجرای قانون حل شده و اعتقاد به روز بازپسین، بهترین ضامن اجرای

قانون‌هاست. به نقل از یک دانشمند ایرانی آمده است:

هنگام حضور ما در نیویورک (سال ۱۳۵۶ش)، برق شهر بدون سابقه قطع شد، فروشگاه‌ها و اموال مردم در خاموشی غارت شد و پلیس حدود سه هزار نفر را در این رابطه دستگیر کرد و موضوع تا چند روز مورد بحث محافل بود. این در حالی است که آنان خود را متمدن و صنعتی می‌دانند و تمدن به ظاهر درخشان خود را به رخ دیگر ملل می‌کشند؛ اما چرا در یک فرصت خاصی تمام اصول انسانی و اخلاقی را زیر پا گذاشتند و به غارتگری و تاراج اموال یکدیگر پرداختند؟ این گویای آن است که هنوز رهبران جهان به ارزش مبانی مذهبی و نقش آنها در تأمین عدالت و گسترش امنیت اجتماعی واقف نیستند. اگر آنان به جای گسترش نظام‌های مادی و تشکیلات پلیسی، به هزینه کردن در تحکیم مبانی دینی و گسترش فضایل اخلاقی و ریشه کن کردن برنامه‌های ضدانسانی بپردازند، به اهداف انسانی خود زودتر می‌رسند. (سبحانی، ۱۳۷۳: ۲۰)

با توجه به رشد بی‌رویه و فزاینده آمار جرایم در جامعه، مؤثرترین راه‌حل، بحث پیشگیری می‌باشد. بر اساس بند ۵ اصل ۱۵۶ قانون اساسی، یکی از مهم‌ترین وظایف قوه قضائیه، پیشگیری از جرم و اصلاح مجرمان می‌باشد؛ لذا قوه مذکور می‌تواند با به کارگیری اشکال مختلف پیشگیری از جرم، این مهم را به انجام رساند.

یکی از با ارزش‌ترین راه‌های پیشگیری اجتماعی، ایجاد فرهنگ‌هایی است که فرد و جامعه را اصلاح و در پی آن انحراف‌های اجتماعی و جرایم را کاهش می‌دهد. اعتقاد به معاد با کارکردهایی که در فرد و جامعه دارد، می‌تواند از بسیاری از انحراف‌های جامعه جلوگیری نماید. کارکردهای آن به حدی زیبا و در مسیر کمال انسان مؤثر می‌باشد که می‌توان به راحتی، با توسعه آن به سمت جامعه‌ای سالم و به دور از انحراف و ناهنجاری اجتماعی حرکت نمود. فرهنگ مذکور به خصوص در اسلام، با توجه به غنای منابع و توصیه‌های فراوان قرآن و سنت، بسیار بارزتر و تأثیرگذارتر از دیگر جوامع باشد.

۳. راه‌حل اختلاف: قانون‌ها و تمدن‌های بشری قادر به حل اختلاف‌ها نیستند؛ زیرا هر گروه و فردی به دنبال خواسته‌های خود است. امروزه اختلاف میان کشورها بر سر منافع و

بهره‌مندی حداکثری از مواهب خدادادی و کشمکش‌های افراد جامعه و عدم گذشت و پایبند نبودن به قانون‌ها و قراردادهای اجتماعی، از معضله‌های مهم بشر شده است. طبیعی است که اگر حل اختلاف‌ها از راه قانون‌های الهی و داوری انبیا باشد، به دلیل مصون از تحریف، خطا، هوا و هوس و اغراض نفسانی بودن، بسی ارزشمند است (بقره / ۲۱۳) از این رو تقویت معاد بهترین راه‌حل معضله‌ها و اختلاف‌های جوامع بشری است. (قرائتی، ۱۳۸۳: ۱ / ۳۳۴ - ۳۳۲)

۴. سالم‌سازی اقتصاد: ایمان به معاد در تمام مسائل اقتصادی، اعم از تولید، توزیع، مصرف، مدیریت و بازرگانی و به ویژه بحث اسراف نقش دارد (قرائتی، ۱۳۶۳: ۶۱) و از مهم‌ترین عوامل سالم‌سازی فعالیت‌های اقتصادی است. برای نمونه قرآن کریم علت کم‌فروشی را ایمان نداشتن به معاد می‌داند:

أَلَا يَظُنُّ أُولَئِكَ أَنَّهُمْ مَبْعُوثُونَ * لِيَوْمٍ عَظِيمٍ. (مطففین / ۴ و ۵)

آیا این کم‌فروشان نمی‌دانند که برای روزی بسیار بزرگ، مبعوث خواهند شد. (و در دادگاه عدل الهی باید پاسخ آن‌همه کم‌فروشی‌ها را بدهند)

هرگاه کسی به طور قطع بداند یا حتی احتمال دهد دادگاه عظیمی در پیش دارد که هر ذره‌ای از کار نیک و بد او در آنجا محاسبه و به آن پاداش مناسب داده می‌شود و هیچ راه بازگشت و جبرانی هم در کار نیست، مسلماً مراقب اعمال خویش در این جهان خواهد بود و همین ایمان و باور او را تربیت خواهد کرد.

روشن است که کم‌فروشان یا گناهکاران، همیشه بی‌ایمان به معاد و کافر نیستند، بلکه منظور این است که ایمانشان بسیار ضعیف است یا گرفتار غفلت‌اند و گرنه چگونه ممکن است انسان به چنان روزی ایمان داشته باشد و گرفتار غفلت نیز شود و این چنین غرق گناه گردد. علامه طباطبایی می‌نویسد:

اگر خداوند به ظن و گمان به مسئله قیامت اکتفا کرد با اینکه اعتقاد به معاد باید علمی و یقینی باشد، برای اشاره به این حقیقت است که در اجتناب از کم‌فروشی احتمال خطر و ضرر آخرتی هم کافی است. اگر کسی یقین به قیامت نداشته باشد، و تنها احتمال آن را بدهد، همین احتمال که ممکن است قیامت، راست

باشد، و خدای تعالی در آن روز عظیم، مردم را بدانچه کرده‌اند، مؤاخذه کند، کافی است که او را از کم فروشی بازدارد. (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۲۰ / ۳۸۰ و ۳۸۱)

۵. پرهیز از رباخواری: معتقدان به روز جزا از رباخواری - که امروزه به معضل بزرگ اجتماعی و اقتصادی تبدیل شده است - به دورند. اهل ایمان به روز محشر، از احتکار هم که در مواقع بحرانی، چهره کریه خود را نمایان می‌سازد، دوری می‌جویند.

ب) آثار و فواید اخروی

زندگی انسان در بینش اسلامی دو مرحله دارد که نخستین مرحله آن، مربوط به دنیاست، در این مرحله بسیاری از کارها در این دنیا به ثمر می‌نشینند و نتیجه عمل به انجام‌دهنده آن می‌رسد. دین اسلام، کار و تلاش معنوی انسان را بدون پاداش نمی‌گذارد. هرگونه کار نیک، پاداش نیک دارد و عمل زشت، عذاب و عقابی دردناک به دنبال خواهد داشت. در این رابطه آیات متعددی داریم که نتیجه کار به خود انسان برمی‌گردد. برای نمونه به دو مورد اشاره می‌شود:

إِنْ أَحْسَنْتُمْ أَحْسَنْتُمْ لِأَنْفُسِكُمْ وَإِنْ أَسَأْتُمْ فَلَهَا. (اسراء / ۷)

اگر احسان نمودید، برای خودتان کردید و اگر بدی کردید، برای خود کردید.

مَنْ عَمِلَ صَالِحًا فَلِنَفْسِهِ وَمَنْ أَسَاءَ فَعَلَيْهَا. (فصلت / ۴۶)

کسی که کار خوب یا بد انجام دهد، برای خود کرده است.

از دیدگاه معارف اسلامی، دنیا و آخرت ارتباطی نزدیک و ناگسستنی با هم دارند، به گونه‌ای که آخرت، تجلی‌گاه نیت‌ها و کار و کوشش انسان‌هاست. حضرت علی علیه السلام می‌فرماید:

تلخ‌کامی دنیا، شیرینی آخرت و شیرینی دنیای حرام، تلخی آخرت است.

(شریف رضی، بی‌تا: ح ۲۵۱)

شهید مطهری درباره پیوستگی زندگی دنیا و آخرت می‌گوید:

انسان در آن دنیا آن چنان است که اینجا خودش را بسازد. اینجا اگر خودش را کامل بسازد، آنجا کامل است. اگر ناقص بسازد ناقص است. اگر خودش را کور قرار

بدهد، آنجا کور است و اگر خودش را کر قرار بدهد آنجا کر است و اگر خودش را از صورت انسانیت خارج کرده و به صورت حیوان از انواع حیوانات دیگر درآورده باشد، در آنجا به صورت همان حیوان محشور می شود. (مطهری، ۱۳۷۳: ۱۶ - ۱۳)

با توجه به نکات یاد شده، برخی آثار اخروی باور به معاد را می توان این چنین برشمرد: یک. خوشنودی خدای متعال و ورود به بهشت: براساس آموزه های اسلامی، همه انبیای الهی به بهشت و سعادت اخروی انسان، بشارت داده و پیروان خویش را از عذاب های الهی ترسانیده و آنان را از عصیان و شومی عاقبت این اعمال، انذار داده اند.

اصولاً فلسفه نبوت، انذار (انعام / ۱۳۰؛ اعراف / ۵۹؛ شعراء / ۱۳۵؛ طه / ۱۵؛ مریم / ۳۱) و تبشیر است تا با اتمام حجت خداوند بر مردم، در روز قیامت عذری در برابر محبت های الهی باقی نمانده باشد. حال کسی که به پیام دعوت انبیای الهی لبیک گفته باشد، شایسته پاداش بهشت خواهد بود. در قرآن آمده است: «انسان های کوشا و آخرت طلب، از بین مناطق گوناگون بهشت، بوستانی ارجمند و عالی رتبه، در اختیار خواهند داشت: «لِسَعِيهَا رَاضِيَةٌ * فِي جَنَّةٍ عَالِيَةٍ» (غاشیه / ۹ و ۱۰) عالیه ممکن است وصف توضیحی بهشت باشد و بهشت موعود را به علو رتبه توصیف کرده باشد. هم چنین می تواند وصف احترازی باشد؛ گویا اینکه برخی از بوستان های آن بر برخی دیگر، برتری دارند. برداشت یادشده، نظر به احتمال دوم دارد.

در آیه دیگر، اطاعت کنندگان از خدا و رسولش، شایسته ورود در بهشت دانسته شده اند: «وَمَنْ يُطِيعِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ يُدْخِلْهُ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا». (نساء / ۱۳)

دو. باریابی به مقام ابرار:

لَيْسَ الْبِرَّ أَنْ تُولُوا وَجُوهَكُمْ. (بقره / ۱۷۷)

۳. نجات از آتش جهنم:

إِنَّ الَّذِينَ لَا يَرْجُونَ لِقَاءَنَا وَرَضُوا. (یونس / ۷)

ایمان نیابردن به آخرت، کیفر دارد و انسان را در وادی بیراهه قرار می دهد:

الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ فِي الْعَذَابِ وَالضَّلَالِ الْبَعِيدِ. (سبا / ۸)

آوردن موصول به جای اسم ظاهر (الکافرون)، دلالت می کند که ایمان نیابردن، علت گرفتاری در عذاب و واقع شدن در گمراهی دور و دراز است. آیه «وَأَنَّ الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ أَعْتَدْنَا لَهُمْ عَذَابًا أَلِيمًا؛ (اسراء / ۱۰) گویای عذاب دردناک برای کسانی است که به آخرت ایمان ندارند».

تکیه قرآن بر روی عدم ایمان به آخرت، به عنوان صفت دوزخیان، شاید از این رو باشد که اعتقاد به آن دادگاه بزرگ بیش از هر چیز، انسان را در برابر گناهان کنترل می کند. از این گذشته، انکار قیامت به انکار خدا نیز باز می گردد؛ زیرا چگونه ممکن است خدای عادل و حکیم مردم این جهان را در شرایطی که می بینیم، به حال خود رها کند، و جهان دیگری در کار نباشد! این نه با حکمت او سازگار است؛ نه با عدالتش. از همه گذشته، چون بحث در آیه از پاداش و کیفر است، با مسئله آخرت و دادگاه عدل پروردگار تناسب دارد. (افشار، ۱۳۸۷: ۱ / ۱۴۶)

نتیجه

ایمان به آخرت سبب بیداری، آگاهی، تقوا، تهذیب نفس و ترس از گناه و ظلم می شود و در مقابل، بی توجهی به این امر، سبب دوری از حقایق، استکبار در برابر حق و غرق شدن در دریای مفسد و گناهان می شود.

به این ترتیب تأثیر فوق العاده عمیق ایمان به معاد در تربیت انسان ها از دیدگاه قرآن مشخص می شود. قطعاً اثر ایمان به چنین دادگاهی در تربیت و پاکی انسان قیاس شدنی با دادگاه های معمولی دنیا نیست. ایمان و اعتقاد به آخرت، آثار مثبت فراوانی برای فرد و جامعه دارد که از آن میان می توان به این موارد اشاره کرد: اخلاص در عمل، خوف و رجا، شجاعت در میدان جنگ و جهاد، رعایت حقوق مردم در مسائل اجتماعی، اقتصادی و سیاسی، پابندی به دستورهای الهی، آرامش، خودسازی، پندپذیری، مراقبت بر نماز، تقید به انجام فرایض، پیشگیری از غرور علمی و انحراف در اندیشه و

منابع و مأخذ

۱. قرآن کریم.
۲. شریف رضی (گردآورنده)، بی تا، نهج البلاغه، تصحیح صبحی صالح، قم، دارالهجره.
۳. آمدی، عبدالواحد، بی تا، غررالحکم و دررالکلم، ترجمه محمدعلی انصاری، تهران، افست.
۴. ابن شهر آشوب، محمد بن علی، بی تا، مناقب آل ابی طالب، تحقیق یوسف البقاعی، بیروت، دارالاضواء.
۵. افشار، اسدالله، ۱۳۸۷، راه بی بازگشت، تهران، سفیر اردهال.
۶. جمشیدی، اسدالله، ۱۳۸۰، آثار فردی اعتقاد به معاد از دیدگاه قرآن کریم، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی علیه السلام.
۷. جمعی از نویسندگان، ۱۳۸۳، نرم افزار فرهنگ موضوعی قرآن، قم، بوستان کتاب.
۸. جمعی از نویسندگان، ۱۳۸۳، فرهنگ قرآن، ج ۱، قم، مؤسسه بوستان کتاب.
۹. جمعی از نویسندگان، دایرةالمعارف قرآن کریم، ۱۳۸۲، قم، مؤسسه بوستان کتاب.
۱۰. جنابذی، محمد، ۱۳۴۴، بیان السعادة، تهران، دانشگاه تهران.
۱۱. جوادی آملی، عبدالله، ۱۳۷۵، یاد معاد، تهران، مرکز نشر فرهنگی رجاء.
۱۲. _____، ۱۳۸۵، تسنیم، ج ۱۰، تحقیق سعید بندعلی، قم، مرکز نشر اسراء.
۱۳. حق جو، محمدحسین، ۱۳۷۴، سیمای معاد در مکتب قرآن و عترت، قم، مرکز فرهنگی انصار المهدی.
۱۴. داورپناه، ابوالفضل، ۱۳۷۵، انوار العرفان فی تفسیر القرآن، تهران، صدرا.
۱۵. سبحانی، جعفر، ۱۳۷۳، معاد انسان و جهان، قم، انتشارات مجله مکتب اسلام.
۱۶. _____، معادشناسی، ۱۳۸۶، مقدمه و ترجمه علی شیروانی، قم، دارالفکر.
۱۷. سیوطی، جلال الدین، ۱۴۰۴ ق، الدر المنثور، قم، نشر کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی.

۱۸. شریعتی، محمدباقر، ۱۳۶۳، معاد در نگاه وحی و فلسفه، تهران، دانشگاه تهران.
۱۹. _____، ۱۳۸۰، معاد در نگاه عقل و دین، قم، دفتر تبلیغات اسلامی.
۲۰. صانعی، صفدر، بی تا، آرامش روانی و مذهب، اصفهان، انتشارات کتابفروشی ثقفی.
۲۱. طاهری، حبیب الله، ۱۳۷۶، سیری در جهان پس از مرگ، قم، دفتر انتشارات اسلامی.
۲۲. طباطبایی، سید محمدحسین، ۱۳۷۴، ترجمه المیزان، ترجمه سید محمدباقر موسوی همدانی، قم، دفتر انتشارات جامعه مدرسین.
۲۳. طبرسی، ۱۳۷۲، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، تهران، ناصر خسرو.
۲۴. طبری، محمد بن جریر، ۱۴۱۲ ق، جامع البیان، بیروت، دارالمعرفة.
۲۵. طیب، سید عبدالحسین، ۱۳۷۸، اطبیب البیان فی تفسیر القرآن، تهران، دفتر انتشارات اسلامی.
۲۶. غزالی، ابی احمد محمد بن محمد، ۱۴۰۲ ق، احیاء علوم الدین، بیروت، دارالمعرفة.
۲۷. فلسفی، محمدتقی، ۱۳۸۲، معاد از نظر روح و جسم، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
۲۸. قرائتی، محسن، ۱۳۶۳، معاد از دیدگاه قرآن، تهران، دفتر انتشارات اسلامی.
۲۹. _____، ۱۳۸۳، تفسیر نور، تهران، مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن.
۳۰. قرشی، سید علی اکبر، ۱۳۵۵، معاد از نظر قرآن و علم، قم، دارالتبلیغ.
۳۱. _____، ۱۳۷۷، تفسیر احسن الحدیث، تهران، بنیاد بعثت.
۳۲. قمی، شیخ عباس، ۱۳۷۲، منازل الآخرة و المطالب الفاخرة فی احوال البرزخ و مواقف القيامة، تهران، مفید.
۳۳. کلینی، محمد بن یعقوب، ۱۳۶۵، کافی، تهران، دارالکتب الاسلامیه.
۳۴. گرزالدین، نعمت الله، ۱۳۷۷، «نقش اعتقاد به معاد در تأمین بهداشت روانی»، نشریه دانشگاه اسلامی، شماره ۴، ص ۱۵ - ۱۰.

۳۵. مجلسی، محمدباقر، ۱۴۰۴ ق، بحارالانوار، بیروت، مؤسسة الوفاء.
۳۶. مرزوق، عبدالصبور، ۱۴۱۵ ق، معجم الاعلام و الموضوعات فی القرآن الکریم، قاهره، دارالشروق.
۳۷. مطهری، مرتضی، ۱۳۷۳، معاد، تهران، صدرا.
۳۸. مکارم شیرازی، ناصر و دیگران، ۱۳۷۴، تفسیر نمونه، تهران، دارالکتب الاسلامیه.
۳۹. مکارم شیرازی، ناصر، ۱۳۷۷، پیام قرآن، تهران، دارالکتب الاسلامیه.
۴۰. نجفی خمینی، محمدجواد، ۱۳۹۸ ق، تفسیر آسان، تهران، دفتر انتشارات اسلامی.
۴۱. نراقی، ملا احمد، ۱۳۷۸، معراج السعاده، قم، هجرت.
۴۲. وثوقی، منصور و علی اکبر نیک خلق، ۱۳۷۰، مبانی جامعه شناسی، بی جا، خردمند، ج ۳.
۴۳. هاشمی، علی (تدوین کننده)، پرسمان قرآنی معاد، ۱۳۸۴، قم، مؤسسه بوستان کتاب، مرکز فرهنگ و معارف قرآن.

